من اخذ للمظلوم من الظالم کان معی فی الجنة مصاحبا

کسی که حق مظلوم را از ظالم بگیرد [چه مظلوم، مسلمان باشد، چه غیر مسلمان] در بهشت با من خواهد بود.

فصل نهج‌البلاغه

# چه چیز «بهج‌الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه» را بی‌نظیر کرده است؟

«بهج‌الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه» نگاشته فقیه، رجال‌شناس و نسخه‌شناس معاصر محمدتقی شوشتری درگذشته ۱۳۷۴شمسی است. منتقدان به دلایل گوناگونی این شرح را شرحی یگانه و ویژه دانسته‌اند.

به گزارش برنامه تلویزیونی «سوره»؛ فصل نهج‌البلاغه»، از نگاه آنان نگرش موضوعی به نهج‌البلاغه و رویکرد انتقادی به گردآورنده و شارحان پیشین، بهج‌الصباغه را به کتابی کم‌نظیر تبدیل کرده است. شوشتری که در عنوان کتاب تُستَری ثبت شده است از بین همه شرح‌های نهج‌البلاغه فقط سه شرح ابن‌ابی‌الحدید، ابن میثم و خوئی را قابل اعتنا می‌داند که آن سه را نیز با نقدهای متعدد همراه می‌کند؛ چنان که شرح ابن‌میثم را گرفتار تأویلات ناروا و شرح خوئی را پُرگو و انباشته از روایات ضعیف ارزیابی می‌کند. شوشتری همچنین اشتباهات چندی را در کار شریف رضی، گردآورنده نهج‌البلاغه یادآور شده و برخی از کلمات نقل شده در نهج‌البلاغه را جزو کلمات امام نمی‌داند. علاوه بر اینکه با تکیه بر بررسی ۱۴ نسخه خطی، خطاها، تحریف‌ها و تصحیف‌های سایر شارحان و نسخه‌برداران نهج‌البلاغه را نیز تذکر داده است. او این کار را با مستندسازی و منبع‌یابی کلمات امام همراه کرده است و از آنجا که تصمیم دارد برخلاف روش پیشینیان، سخن هر کسی را به خود او نسبت دهد، کتابی پرمنبع پیش روی خواننده قرار داده است.

شوشتری در بهج‌الصباغه که در ۱۴ جلد منتشر شده به ترتیب نهج‌البلاغه کاری ندارد و در ۶۰ موضوع کلان و ۹۳۳ ریزموضوع اثر خود را سامان داده است. او در ذیل هر عنوان نیز نخست خطبه‌ها و نامه‌های مرتبط یا بخش‌های مرتبط آن‌ها و سپس حکمت‌های مرتبط با آن عنوان را آورده است. گستردگی این ۶۰ موضوع در واقع ناشی از گستردگی موضوعات نهج‌البلاغه است و از اعتقادات تا تاریخ و شخصیت‌شناسی و از فرهنگ‌شناسی تا آموزه‌های اخلاقی را دربردارد.

این موضوعات از توحید و آفرینش جهان و فرشتگان و انسان آغاز شده به نبوت و امامت عامه و خاصه رسیده است. محور تعدادی از فصل‌ها شخص امیرالمؤمنین و صفات و حوادث زندگی و قضاوت‌ها و پاسخ‌های ایشان است. قضا و قدر، مرگ، نکوهش دنیا، قیامت و بهشت و دوزخ، آنچه یک بنده نسبت به پروردگار خود باید انجام دهد، قرآن کریم، عبادات و معاملات و خیر و شر، فضائل و مکارم اخلاقی، صفات نکوهیده و پسندیده، آداب معاشرت، دوستان، نکوهش شامیان و ستایش کوفه، انصار و گروه‌های قریش، استسقا و قربانی، فتنه‌ها و بدعت‌ها، عقل، قلب و دل، فقر، زنان، شیطان و بالاخره موضوعات پراکنده نیز بخشی از این ۶۰ موضوع کلی هستند.

با این حال از نگاه منتقدان این موضوع‌بندی فاقد یک نظام معنایی روشن است و نظم خاصی در آن به چشم نمی‌خورد. چنان که به عنوان مثال عنوان سرفصل توحید اختصاص به مباحث رایج کلامی ندارد و شوشتری هر آنچه درباره خداشناسی و صفات و افعال او در نهج‌البلاغه هست را در ذیل همین فصل گزارش کرده است. جز اینکه برای ریزموضوع‌ها نیز عنوانی انتخاب نکرده و هر یک را فقط با کلمه «عنوان» از بخش‌های دیگر جدا کرده است. نکته قابل توجه دیگر آن است رویکرد بهج‌الصباغه نقلی است و با وجود مطالب حِکَمی و فلسفی در نهج‌البلاغه، کتاب شوشتری از این جهت کمرنگ گزارش شده است.

موعظه

حجت الاسلام علوی تهرانی

## کدام ویژگی عذاب فرعون را ۴۰ سال عقب انداخت؟

**یکی از مقوله‌هایی که در اسلام الفت ایجاد می‌کند و منشأ مهربانی است میهمان‌داری است. ممکن است بگویید الان گرانی است نمی‌توانیم میهمان‌داری کنیم. اولاً لازم نیست همه میهمانی‌ها به ناهار و شام ختم شود، ثانیاً لازم نیست ناهار و شام چند رقم باشد. میهمانی‌ها چند آسیب دارد که یکی از آن‌ها اسراف و تبذیر است. تبذیر این است که چند رقم باشد، اسراف آن است که بیش از نیاز افراد باشد؛ مثلاً برای چهار نفر اندازه ۱۰ نفر غذا آماده کنی. میهمان‌داری از نظر پیامبر(ص) جزو مکارم اخلاق است. در قرآن کریم حضرت حق دشمنی به نام فرعون دارد که ۷۹ بار از آن نام برده است. هر بار هم از او یاد می‌کند او را ستمگر، طاغی، سلطه‌جو و ذوالاوتاد خطاب کرده است. فرعون خیلی خونریز بود و در یک دوره تمام پسران بنی‌اسرائیل را کشت تا موسی به دنیا نیاید. وقتی موسی، فرعون را نفرین کرد ۴۰ سال طول کشید تا نفرین موسی مستجاب شود. وقتی فرعون غرق شد، موسی گفت من ۴۰ سال پیش دعا کردم چرا الان مستجاب شد، خداوند فرمود این شخص با همه بدی‌هایش یک صفت خوب داشت و آن اینکه مأمورانی داشت که وظیفه داشتند برای ظهر و شب مردم غذا تهیه کنند بنابراین ۴۰ سال به او مهلت دادم. من چقدر بیچاره هستم اگر در ۶۰ سال عمر نتوانم یک صفت خوب برای خودم درست کنم تا خدا به من مهلت بدهد تا در این مهلت به واسطه ولایت امیرالمؤمنین(ع) تغییر ایجاد شود. چند نفر میهمان ابوذر شدند. ابوذر گفت من چند شتر دارم، یکی را نحر کنیم و از آن غذا درست نماییم. میهمان یک شتر لاغر آورد. ابوذر گفت: چرا در حق من خیانت کردی؟ چرا این شتر لاغر را آوردی؟ آن شخص گفت: اتفاقاً بین این چند تا شتر یک شتر خیلی چاق پیدا کردم ولی رهایش کردم، گفتم برای روز مبادای تو باشد. گفت: مگر نمی‌دانی روز مبادا روزی است که مرا در قبر می‌گذارند و آنجا از من سؤال می‌کنند چه نیکی در حق مردم کردی؟ بعد این آیه را تلاوت کرد: «لَن تَنَالُوا البِرَّ حَتَّی تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَیءٍ فَإِنَّ اللهَ بِهِ عَلِیمٌ؛ هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست». من و شما روز مبادا را فردایی می‌دانیم که تحریم‌ها به اوجش برسد ولی جناب اباذر روز مبادا را اول عالم برزخ می‌داند.**

سبک زندگی

### روایتی از زندگی عاشقانه آیت الله جوادی آملی

# هر چه دارم از همسرم دارم

از نکات قابل توجه مراسم تشییع همسر آیت‌الله جوادی آملی تصاویری بود که ایشان را در واپسین وداع با همسرشان نشان می‌داد. این تصاویر مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز قرار گرفت.

به گزارش مهر، احمد شریف زاده در یادداشتی در این خصوص نوشت:

با دیدن تصاویر عاشقانه آیت الله جوادی آملی در تشییع و بر سر مزار همسرشان، یاد شنیده‌هایم از برادرزاده علامه طباطبایی افتادم که می‌گفت هنگام دفن همسر علامه، ایشان آن‌قدر گریستند و بی‌قرار بودند که بعضی به ایشان تذکر دادند حال ایشان، مناسب شأن و جایگاهشان نیست. آن‌ها بی‌تقصیر بودند، چون فقط آن لحظات علامه را می‌دیدند و التفات به گذشته علامه و همسرش نداشتند.

یکی از نزدیکان آیت‌الله جوادی از قول ایشان برایم نقل کردند اوایل ازدواجشان، برای استفاده از اساتید حوزه تهران، به‌خصوص علامه شعرانی باید در تهران مقیم می‌شدند، اما چون پولی برای اجاره منزل در تهران نداشتند، خودشان حجره‌نشین می‌شوند و همسرشان این دوری را قبول می‌کند و در آمل می‌ماند و ایشان هر ۶ ماه یک بار به آمل می‌رفتند تا اینکه پس از مدتی شرایط فراهم می‌شود و همسرشان را هم به تهران منتقل می‌کنند.

یکی از رفقای آیت الله جوادی می‌فرمود ایشان در زمان حجره‌نشینی در مطالعه و درس و بحث پشتکار و جدیت عجیبی داشتند، بیشتر شب‌ها بیدار بودند و وقت زیادی را صرف امور علمی می‌کردند، آن‌قدر که ما متحیر می‌شدیم. (خود ناقل از مفاخر حوزه و کسانی بود که جدیتشان در میان علما مثال‌زدنی است) حالا شما به این‌ها تهجد و عبادات و ریاضات شرعیه، رسیدگی به امور شاگردان و اطرافیان و... را اضافه کنید، چقدر وقت می‌ماند برای رسیدگی به امور منزل و اهل بیتشان... مردی بزرگ نمی‌شود، مگر آنکه زنی استوار در پس او باشد.

همان دوست عزیز که از نزدیکان آیت‌الله جوادی است نقل می‌کرد: مؤانست حاج خانم با قرآن مثال‌زدنی بود. تا وقت خالی پیدا می‌کردند قرآن تلاوت می‌کردند. به شدت شیفته حاج آقا و مقید بودند در بیشتر سخنرانی‌های رسمی ایشان شرکت کنند، درس‌های حاج آقا را هم دنبال می‌کردند؛ حتی این اواخر که درس‌ها مجازی شده بود هم!

باز همان دوست نقل می‌کرد: وقتی پیکر حاج خانم را برای وداع به منزل آوردند، حاج آقا آن‌قدر گریه کردند که کم مانده بود از حال بروند. می‌گفت: همچنین وقتی برای مراسم تدفین، حاج آقا به آستان حضرت علی بن جعفر(ع) آمدند، هنوز پیکر حاج خانم را نیاورده بودند و حاج آقا خیلی بی‌قرار بودند، باد شدیدی وزید و هوا گرد و خاکی شد، برای اینکه حالشان بد نشود، ایشان را به درون حرم امامزاده منتقل کردیم، در آنجا همان خاطره هجرتشان به تهران و فقر و ماندن همسرشان در آمل را یادآوری کردم و گفتم بالاخره ایشان به یک عالم خدمت کرده‌اند و جایگاهشان حتماً عالی است... حاج آقا گفتند: چه می‌گویی... من هر چه دارم از ایشان است.

برایم جالب بود که مثل همین جملات را برادرزاده علامه طباطبایی از ایشان هنگام دفن همسرشان شنیده بودند که: من هر چه دارم از ایشان است.

گمان می‌کنم این دو روز عکس‌ها و فیلم‌های اندکی که از احوالات آیت‌الله جوادی منتقل شد، آن‌قدر درس عاشقانگی به جامعه داد که بسیار کتاب‌های عاشقانه شعرا و نویسندگان در ستایش همسرانشان نداده بود.

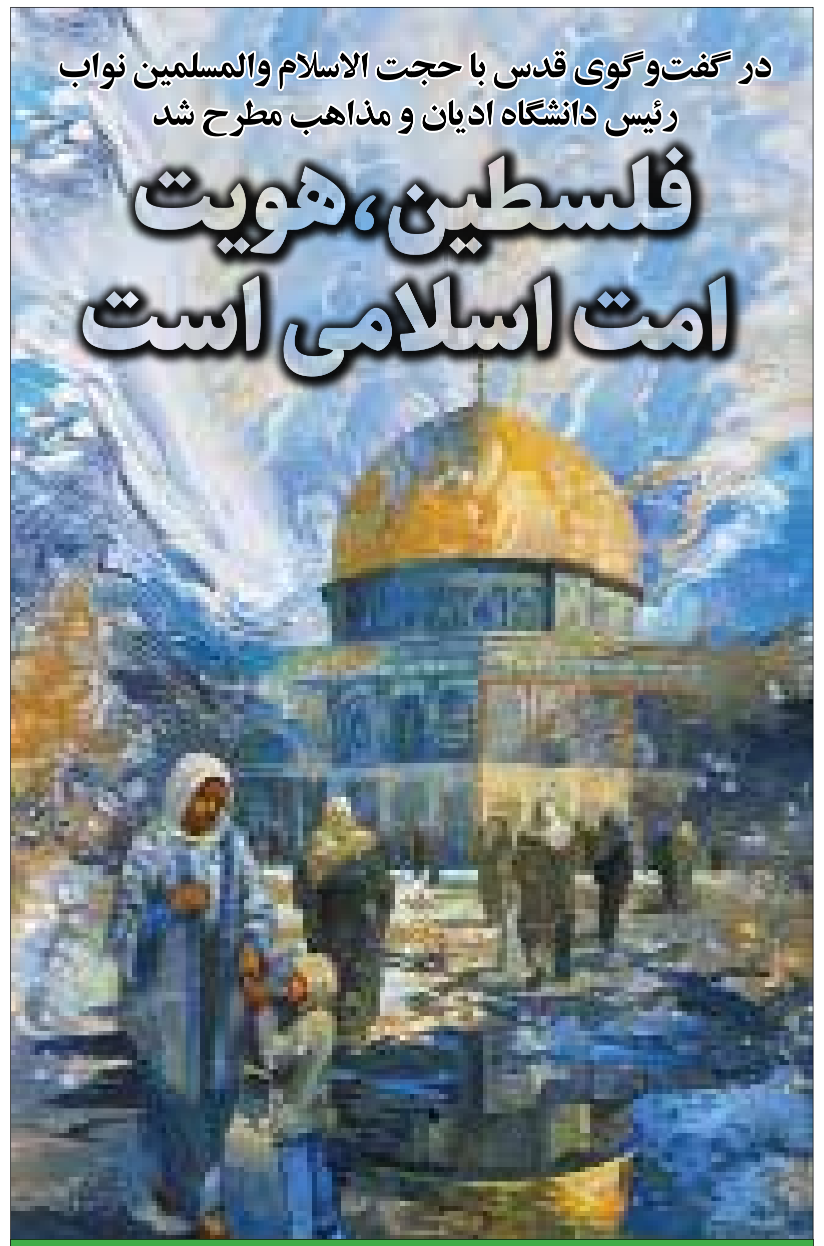

### در گفت‌وگوی قدس با حجت الاسلام والمسلمین نواب رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب مطرح شد

# فلسطین، هویت امت اسلامی است

**زینب اصغریان |** فلسطین تبدیل به مسئله بغرنجی شده که به‌راحتی قابل حل نخواهد بود. مسئله‌ای که برای امت اسلام تبدیل به مسئله‌ای هویتی و برای رژیم صهیونیستی تبدیل به مسئله‌ای حیثیتی شده است. به‌راستی چگونه می‌توان به مشکلات موجود در فلسطین خاتمه داد و فلسطین آزاد را نظاره کرد؟ در این راستا با حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن نواب، رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی که افزون بر ۶۰۰ سفر تبلیغی به کشورهای مختلف در کارنامه خود دارد رفتیم و این مسئله مهم را از ایشان پرس و جو نمودیم.

**■ رهبر معظم انقلاب درباره فلسطین نکاتی را بارها فرموده‌اند و تأکید کرده‌اند فلسطین مسئله اصلی دنیای اسلام است، فلسطین زنده‌ترین مسئله مشترک امت اسلامی است. چرا فلسطین در کانون توجهات انقلاب اسلامی قرار دارد؟**

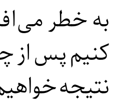

مسئله فلسطین اهمیت دارد چون سرزمینی است که هویت ماست و اگر نتوانیم هویت خودمان را به عنوان قبله اول مسلمین حفظ کنیم، کیان ما مسلمانان به خطر می‌افتد. ما اگر نتوانیم از کیانمان دفاع کنیم پس از چه چیزی می‌خواهیم دفاع کنیم؟ در نتیجه خواهیم دید فردا روزی به بقیه سرزمین‌های ما دست‌اندازی خواهد شد. بنابراین ما فلسطین را هویت امت مسلمان می‌دانیم و اصرار و ایستادگی سر این مسئله هم، اسرائیل را به فکر واداشته است. یعنی غاصبان سرزمین فلسطین، خودشان به این نتیجه رسیده‌اند که ظاهراً باید فکری به حال این اوضاع کنند و این‌گونه، این اوضاع قابل حل نیست. به نظر من بهترین ایده را خود رهبر معظم انقلاب پیشنهاد دادند. ما نمی‌خواهیم کسی را از سرزمین واقعی خودش بیرون کنیم. رهبری می‌فرمایند: هر کس در یک رأی‌گیری آزاد زیر نظر مجامع آزاد بین‌المللی بیایند از هر کس که گذرنامه فلسطینی دارد رأی بگیرند؛ اگر در اردن، لبنان، سوریه و هر کشوری ساکن است اما شناسنامه فلسطینی دارد رأی بگیرند. آن یهودی هم بیاید در انتخابات شرکت کند. آن مسیحی هم که می‌گوید من در قدس به دنیا آمدم بیاید در انتخابات شرکت کند. همه بیایند در انتخابات شرکت کنند. هر نظامی رأی آورد همان حاکم شود.

**■ چرا اسرائیل در انتخابات شرکت نمی‌کند؟**

چون غاصب است. شما ببینید شیعیانی که در عراق بر سر کار آمدند با نظام رأی انتخاب شده‌اند، با نظام حداکثر آرا وارد عراق شدند. نه کردی از عراق اخراج شد و نه هیچ سنی‌ای. این پیشنهاد رهبری پیشنهاد بسیار درستی است.

**■ چرا امام این قدر به مسئله فلسطین و حذف اسرائیل تأکید داشتند؟**

ببینید هم امام درست می‌گفتند هم رهبر معظم انقلاب. از قدیم الایام گفتند به مرگ بگیرید که به تب راضی شوند. اگر حضرت امام این قدر محکم به جنگ این‌ها نمی‌آمدند اوضاع از این بدتر بود. همین پیشنهاد لطیف رهبری را هم تن نمی‌دهند. این پیشنهاد رهبر انقلاب پیشنهادی است بسیار عقلایی، دموکراتیک و به‌روز که با اندیشه‌ای متعالی آمیخته و حقوق انسانی هم کاملاً در آن تنیده شده است.

**■ چرا امام روز جمعه ماه رمضان را انتخاب کردند. چه سنخیتی داشت؟**

خود رمضان یکی از محورهای اصلی برای مسلمانان بوده و جمعه هم محور دیگری برای مسلمین است. این یک هوشمندی است که از این دو محور اصلی برای روز قدس استفاده شده و مسلمان‌ها را در این موقعیت گرد هم می‌آورند تا مسئله اصلیشان فراموش نشود.

**■ اوضاع جبهه مقاومت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

فلسطینی‌ها الان قدرتمند شده‌اند. فلسطین امروز با فلسطین ۲۰-۱۰ سال پیش تفاوت کرده است. حداقل بنده که از سخنرانی امام در سال ۵۴-۵۳ در جریان مسئله فلسطین هستم می‌بینم امروز فلسطین خیلی مقتدرتر شده است. در جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ فلسطین تسلیم شد و عقب نشست. دیگر هیچ پیروزی نداشتیم. الان مفصلاً پیروزی داریم. پیروزی پس از پیروزی. الان وقتی غزه آن‌ها را تهدید می‌کند اسرائیل حساب می‌برد. وقتی از غزه تهدید می‌شوند از مسجدالاقصی عقب‌نشینی می‌کنند.

**■ وحدت اسلامی در سایه روز قدس چگونه محقق می‌شود؟ آیا می‌توان گفت روز قدس نماد وحدت شیعه و سنی در دفاع از فلسطین است؟**

ما ذیل هر مسئله‌ای که جدی باشد می‌توانیم وحدتمان را نشان دهیم. مسئله بوسنی هم همین طور بود. هر موضوعی که مسئله جهان اسلامی باشد، تبدیل به محور وحدت خواهد شد. چون همه توجهات به یک نقطه معطوف می‌شود. همه پای کار یک مسئله می‌آیند.

گزیده

**از قدیم الایام گفتند به مرگ بگیرید که به تب راضی شوند. اگر حضرت امام این قدر محکم به جنگ این‌ها نمی‌آمدند اوضاع از این بدتر بود. همین پیشنهاد لطیف رهبر معظم انقلاب را هم تن نمی‌دهند. این پیشنهاد رهبری، پیشنهادی است بسیار عقلایی، دموکراتیک و به‌روز که با اندیشه‌ای متعالی آمیخته و حقوق انسانی هم کاملاً در آن تنیده شده است.**

**■ نگاه سایر ادیان به فلسطین چیست؟**

همه ادیان می‌دانند فلسطین غصب شده است. مسیحیان می‌دانند این سرزمین غصب شده است. خودشان مخالف اشغالگری هستند. بخشی از یهودی‌ها هم که اشغالگرند و بخشی از یهودیان هم مخالف اشغال.

**■ چرا مسیحیان علیه رژیم صهیونیستی تحرک خاصی انجام نمی‌دهند؟**

مسیحیان تعدادشان آن قدر زیاد نیست که بتوانند وارد میدان شوند. کار رسانه‌ای و اجتماعی می‌کنند اما کار سیاسی نمی‌کنند و توان کار نظامی و درگیری را هم ندارند.

**■ چرا آزادمردان جهان به فلسطین به‌گونه‌ای دیگر می‌نگرند؟ ممکن است فردی لائیک باشد یا به خیلی از مسائل اعتقادی نداشته باشد اما حاضر است جانش را برای فلسطین بدهد؟**

برای اینکه همه دنیا در این سال‌ها متوجه شده‌اند این سرزمین غصب شده است و این مسئله که فلسطینی‌ها کوتاه نمی‌آیند هم مهم است. هفته پیش در مطلبی خواندم خود اسرائیلی‌ها گفتند فلسطینی‌ها افراد سرسختی هستند ما نمی‌توانیم با این‌ها کنار بیاییم. الان سال ۲۰۲۲ است. تقریبا ۷۴ سال است که این ملت حاضر نشده‌اند مسئله فلسطین را فراموش کنند. مردم جهان این مقاومت‌ها را دیده‌اند. آزادگان و احرار جهان کنار سرزمین غصب شده و مظلومان ایستاده‌اند و از آن‌ها دفاع می‌کنند.

**■ برخی می‌گویند فلسطینی‌ها ناصبی هستند و اهل بیت(ع) را قبول ندارند و ما نباید به دشمن اهل بیت(ع) کمک کنیم. نظر شما درباره این مسئله چیست؟**

این یک دروغ است. ما هیچ فلسطینی وهابی نداریم. برعکس ما فلسطینی شیعه داریم. در فلسطین مسجدی به نام فاطمه الزهرا(س) و امام حسن مجتبی(ع) در غزه وجود دارد. هیچ نگاه ناصبی در فلسطین نداریم بنابراین نگاه وهابی در فلسطینی‌ها دیده نمی‌شود.

من دست‌کم ۶۰۰ سفر خارجی تبلیغی داشته‌ام. هزاران بار با فلسطینی‌ها در جلسات مختلف صحبت و تمام جهان اسلام را چند بار سفر کرده‌ام. شاید بتوان گفت ۲۰۰ بار با رهبران و مردم فلسطین در سراسر جهان دیدار داشته‌ام. یک بار هم فلسطینی وهابی ندیدم چه برسد به ناصبی!

**■ برخی می‌گویند فلسطینی‌ها آن طور که باید و شاید پای کار نایستاده‌اند! به نظر شما دیدگاه صحیحی است؟**

خود اسرائیلی‌ها می‌گویند این ملت سخت‌جان کوتاه نمی‌آید آن وقت چطور می‌توان گفت این‌ها پای آرمان‌های فلسطین نایستاده‌اند. باید به این نکته توجه داشت که این‌ها در محاصره قرار دارند. این اقدامات را در محاصره انجام می‌دهند. آزاد نیستند که بروند سلاح تهیه کنند. همه مرزهایشان تحت کنترل است. همه امکاناتشان در اختیار دشمن است. با این حال این قدر موشک می‌سازند. آن‌هایی که این حرف‌ها را می‌زنند در رختخواب گرم خوابیده‌اند و می‌گویند لنگش کن. واقعا ملتی که دارد از جانش می‌گذرد ستودنی است. در عکس‌ها و فیلم‌ها ببینید چطور این‌ها را بمباران می‌کنند. هر ملتی بود خسته می‌شد و کوتاه می‌آمد و عقب می‌نشست. این‌ها محکم سر جای خودشان ایستاده‌اند. بعد ما به جای کمک فکری، معنوی، اجتماعی، مالی، سیاسی و اقتصادی به این‌ها این طور بگوییم! این حرف واقعاً حرف درستی نیست. پیرمردهای ۷۰ ساله‌شان هنوز بر سر آرمانشان ایستاده‌اند.

**■ دفاع از مظلوم در اسلام تا چه حد جایز است؟**

دفاع از مظلوم تا جایی است که برای انسان امکانش وجود داشته باشد. هیچ حدی ندارد.

**■ ما چگونه می‌توانیم به فلسطین کمک کنیم؟**

زنده نگه داشتن آرمان فلسطین کمک مهمی است که ما می‌توانیم انجام دهیم و جمهوری اسلامی ایران در حد خودش انجام داده است. حضور در روز قدس نیز گام بلندی در این راستاست.

**■ عملکرد تشکل‌هایی که برای فلسطین در سطح جهان کار می‌کنند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

فلسطین به اتحاد اسلامی بیشتر و پای کار آمدن سایر کشورها نیاز دارد، به انسجام کشورهای اسلامی نیاز دارد، به اینکه شعار فلسطین در بین ملت‌ها زنده شود نیاز دارد. اگر ملت‌ها پای کار مسئله فلسطین بیایند دولت‌ها مجبورند همراهی کنند. ما در مسئله فلسطین باید خیلی بیش از این کار فرهنگی کنیم. این میزان کار فرهنگی را کافی نمی‌دانم.

**■ آیا جبهه مقاومت توانسته نقش خود را به‌خوبی ایفا کند؟**

اولاً که شهادت سردار سلیمانی ضربه بسیار جدی به جبهه مقاومت زد. ثانیاً جبهه مقاومت هنوز انسجام و تشکیلات کافی را بدست نیاورده است. انتظار از جبهه مقاومت، انسجام جهان اسلام است که هنوز همه ابزارها را در اختیار ندارد. به نظر می‌رسد باید کار فرهنگی بیشتری را این جبهه انجام دهد.

من معتقدم اگر داعش در ۱۰ سال گذشته پیش نیامده بود ما الان در جبهه مقاومت ۱۰۰ گام از شرایط فعلی جلوتر بودیم. داعش ظرفیت دشمن را افزایش و ظرفیت امت اسلامی را کاهش داد.

گام بعدی نظام استکبار این بود که امت اسلامی را با توافقات صلح به سازش وادار کند. ابتدا آمریکا خط داعش را ایجاد کرد به‌طوری‌که خانم کلینتون رسماً این مسئله را اعلام نمود که ما در صحرای سینا داعش را راه انداختیم. موفق هم نشدند. بعد داعش را به کشورهای اسلامی گسیل دادند. همان طور که داعش خنثی شد این تحرکات و ائتلافات در مسیر صلح با اسرائیل هم باید خنثی شود. البته باید خاطرنشان کرد مسئله فلسطین به این سادگی از حلقوم دشمن پایین نخواهد رفت.

کونوا للظالم خصما و للمظلوم عونا

دشمن ظالم و یار و کمک کار مظلوم باشید.

دیدگاه

### سجاد صفار هرندی در واکنش به اقبال مخاطبان:

# تولید «زندگی پس از زندگی» رخدادی تمدنی است

**رواق |** سجاد صفارهرندی، رئیس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری در شمار چهره‌ها و اندیشمندان علوم انسانی به شمار می‌رود که او نیز بالاخره دست به قلم شد و با انتشار فرسته‌ای در صفحه مجازی‌اش نسبت به پخش و اقبال مخاطبان به برنامه تلویزیونی «زندگی پس از زندگی» این‌گونه واکنش نشان داد:

«طی دوسال که برنامه زندگی پس از زندگی در ماه مبارک رمضان از تلویزیون پخش شده است فکر می‌کنم درمجموع کمتر از انگشتان دو دست قسمت‌هایی از آن را دیده‌ام. معتقدم تولید این برنامه و به‌خصوص اقبال گسترده‌ای که از سوی مخاطبان به آن صورت گرفت را فراتر از یک رخداد رسانه‌ای، می‌توان رخدادی تمدنی تلقی کرد.

مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی از تسخیر و تصرف جسم فراورده‌های تمدنی موجود و دمیدن روح و معنای دیانت در آن‌ها می‌گذرد. این تصرف نه یکباره و نه با فرمول و روش‌های از قبل طراحی و تدوین شده که به‌تدریج از خلال عمل خلاقانه انسان‌های مؤمن و آزمون و خطاهای آن‌ها حاصل می‌شود. پس امر تمدنی نه با کمال و تمامیت که با افق‌گشایی و در مسیر بودن قابل شناسایی است.

اگر چنین باشد به باور من تا آنجا که به حوزه رسانه و هنرهای تصویری بازمی‌گردد، زندگی پس از زندگی را باید درکنار روایت فتح آوینی، دیدبان و مهاجر حاتمی‌کیا، تولد یک پروانه راعی، خیلی دور خیلی نزدیک میرکریمی، مختارنامه میرباقری و نمایش تلفیقی شب آفتابی بهزادپور، در زمره جدی‌ترین و موفق‌ترین تلاش‌ها برای تصرف در جوهره هنر رسانه مدرن و استخدام آن به منظور تحقق غایات و احوالات دینی به شمار آورد.

دوستان منتقد برنامه می‌گویند این روایت‌ها از کدام آزمون اعتبارسنجی در شده است که رخصت طرح در رسانه را می‌یابد؟ مبنای حجیّت این مشاهدات و رویاها چیست؟ حدس می‌زنم علی‌القاعده برنامه چارچوب‌هایی برای حصول اطمینان عرفی و عقلایی از صداقت و وثاقت راویان داشته باشد اما اگر پرسش ناظر جایگاه معرفتی این چنین تجاربی است از اساس نادرست و بی‌نسبت با اصل ماجراست.

دوستان فاضل ما چنان در اوراق درس و مدرسه عمیق شده‌اند که در فضای رسانه نیز دغدغه‌های فیلسوفانه و معرفت‌شناختی خود را پی می‌گیرند. در زندگی پس از زندگی ما با مشاهدات آدم‌های معمولی سر و کار داریم که فی‌الجمله از صداقت آنان اطمینان حاصل شده است اما مگر قرار است این مشاهدات مبنای شناخت علمی شما از زندگی پس از مرگ باشد؟ گیرم به جای آدم‌های معمولی با مشاهدات و مکاشفات ملاحسینقلی همدانی و آسیدعلی آقای قاضی طرف بودید مگر آن مکاشفات در ترازوی سنجش معرفت‌شناسانه جز برای مکاشفه‌کننده اعتبار و حجیتی دارد؟ مگر قرار است بر سر جزء به جزء این مشاهدات و تجربیات قسم حضرت عباس بخوریم؟

کار رسانه را با کار علم خلط نکنیم. احتمالاً دغدغه دوستان این است که نکند تجربه‌گرانی هم پیدا شوند که در مشاهدات خود فلان شخصیت نامطلوب مذهبی یا سیاسی را در مقام شفیع و وکیل ببیند و آن وقت واویلا! حال آنکه نه مشاهده اهل بیت و شهید سلیمانی و غیره در چنین تجربیاتی می‌تواند حجت حقانیت آن بزرگواران باشد و نه دیدن کسان دیگر چنین مؤیدی بر مسالک و مذاهب می‌شود. اگر کسی دنبال اثبات حقانیت و حجتیت از این مسیر باشد آدرس را غلط آمده است.

آنچه اینجا موضوعیت دارد نوعی تذکر از خلال خلق تجربه‌ای معنوی برای مخاطب امروزین رسانه است. مخاطبی که امواج پردامنه عرفی شدن و الحاد و کثرت اشتغالات عالم تعیّن و کثرات، اتصال او را با ساحت متعالی هستی شدیداً ضیق کرده است.

برش گفت‌وگو

## دروغ اساسی

ماهیچ فلسطینی وهابی نداریم؛ برعکس مافلسطینی شیعه داریم. در فلسطین مسجدی به نام فاطمه‌الزهرا(س) و امام حسن مجتبی(ع) در غزه وجود دارد و هیچ نگاه ناصبی در فلسطین نداریم. بنابراین نگاه وهابی درفلسطینی‌ها دیده نمی‌شود. من دست‌کم ۶۰۰ سفر خارجی تبلیغی داشته‌ام. هزاران بار با فلسطینی‌ها در جلسات مختلف صحبت کرده‌ام. تمام جهان اسلام را چند بار سفر کرده‌ام. شاید بتوان گفت ۲۰۰ بار با رهبران و مردم فلسطین در سراسر جهان دیدار داشته‌ام. یک بار هم من فلسطینی وهابی ندیدم چه برسد به ناصبی!

برش گفت‌وگو

## یک دفاع مشروع

عملیات استشهادی یک نوع دفاع و دفاع مشروع است. اتفاقاً در همه قوانین بین‌المللی این نوع دفاع مشروع است. «کامیکازه‌ها» (خلبانان ژاپنی که با هواپیما خودشان را به ناوهای آمریکایی می‌کوبیدند) هم کارشان مشروع بود و براساس همه ادیان و مذاهب جهان و ملت‌ها، دفاع مشروع حق همه انسان‌هاست و همه این کار را انجام می‌دهند.

حج و زیارت

### با عنوان «حج؛ خودسازی، انسجام، اقتدار اسلامی و دفاع از مسجدالاقصی»

# شعار حج ۱۴۰۱ اعلام شد

جلسه شورای برنامه‌ریزی و هماهنگی بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت برای سرعت بخشیدن به پیگیری‌ها در خصوص حج ۱۴۰۱ تشکیل و در این جلسه شعار حج سال جاری اعلام شد.

به گزارش فارس، نشست شورای برنامه‌ریزی و هماهنگی بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت دیروز به ریاست حجت‌الاسلام سید عبدالفتاح نواب نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی تشکیل شد.

در این جلسه آخرین برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات صورت گرفته و تماس‌ها با مسئولان کشور میزبان درخصوص حج پیش رو بررسی شد و شرکت کنندگان نقطه نظرات خود را مطرح کردند.

سیدصادق حسینی، رئیس سازمان حج و زیارت با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته برای افزایش سهمیه زائران ایرانی درحج پیش رو، تصریح کرد: در حال رایزنی با مسئولان سازمان هواپیمایی کشوری و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران هستیم به تعداد کافی پروازهای حج تأمین شود تا مدت اقامت زائران در سرزمین وحی طولانی نشود.

وی به فعال شدن کمیته‌های مسکن، حمل و نقل، تغذیه و تدارکات و نرخ‌گذاری اشاره کرد و از تشکیل ستاد حج برای پیگیری سریع‌تر امور حج آینده خبر داد.

این جلسه با گزارش اکبر رضایی، معاون امور حج و عمره سازمان حج و زیارت درباره استخراج آمار و اطلاعات زائران حج پیش رو و سیدعلی مرعشی، رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت درباره ساختار این مرکز و نحوه معاینات پزشکی زائران حج آینده ادامه یافت.

معاون امور حج و عمره سازمان حج و زیارت گفت: برای اعزام ایثارگران به حج تمتع سهمیه هزار و ۹۰۰ نفری اختصاص یافته است. همچنین نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت بر ضرورت اطلاع رسانی مسئولان حوزه حج و زیارت در خصوص حج آینده برای آرامش‌بخشی به زائران تأکید و تصریح کرد: هرچند با اعلام دیرهنگام عربستان فرصت کمی برای آمادگی‌های لازم در خصوص حج ۱۴۰۱ باقی مانده است، ولی نباید از کیفیت برنامه‌ها و فعالیت‌ها کاسته شود.

در این جلسه اعلام شد شعار حج پیش‌رو «حج؛ خودسازی، انسجام، اقتدار اسلامی و دفاع از مسجدالاقصی» خواهد بود که به عنوان شعار حج ۱۴۰۰ هم انتخاب شده بود.

نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت با بیان اینکه در این شعار معنویت، وحدت، اقتدار جهان اسلام و دفاع ازمظلوم نهفته است، تصریح کرد: حج، فرصتی برای مطرح شدن مهم‌ترین چالش‌های جهان اسلام و صحنه نمایش انسجام، اقتدار و عظمت اسلامی است و با توجه به اتفاقات اخیر درصحنه فلسطین ضرورت پرداختن به این قضیه مهم جهان اسلام و همفکری امت اسلامی در دفاع از مسجدالاقصی و فلسطینیان بیش از پیش احساس می‌شود.

نیم نگاه

# حرکتی که از اسلام و برای انسان بود

رفتاری که عبد صالح خدا در مراسم وداع با همسر خود نشان داد، جایگاه یک زن را در چشم خردمندی با ۸۰ سال انس با معارف و قرآن نشان داد که می‌توان همه چیز را «من الله تعالی و الیه سبحانه» دانست.

به گزارش مهر، آیین تشییع و تدفین پیکر همسر آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، مفسر بزرگ قرآن کریم و از مراجع تقلید شیعه عصر دوشنبه با حضور قشرهای مختلف مردم، روحانیان، فضلا و برخی شخصیت‌های دینی و مذهبی در قم برگزار شد. از نکات قابل توجه این مراسم تصاویری بود که آیت‌الله جوادی آملی را در واپسین وداع با همسرشان نشان می‌داد. این تصاویر مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز قرار گرفت.

آیت الله ابوالقاسم علیدوست، استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و رئیس انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه در یادداشتی نوشت: «مصیبتی بزرگ بر حکیم متأله و مرجع عالی‌قدر آیت الله جوادی آملی مدظله و بیت محترم ایشان و بی‌شماری از ارادتمندان آن مرجع عالی‌قدر وارد شد، لکن حرکتی محمود و مشکور از حکیمی صالح، عالم و با احساس، عشق و سلیقه خداداد، این پدیده را به عبرتی ماندگار و درسی پر اثر مبدل ساخت. رفتاری که عبد صالح خداوند در مراسم وداع همسر از خود به منصه ظهور رساند، جایگاه یک زن را در چشم خردمندی با ۸۰ سال انس با معارف و قرآن نشان داد؛ نشان داد می‌توان همه چیز را «من الله تعالی و الیه سبحانه» دانست اما قدردان نعمت هم بود. عزت واقعی زن را در معرض دید و شنود انسان‌ها قرار داد. این حرکت که از اسلام و برای انسان بود را باید در کنار زحمات سترگ و ستودنی ده‌ها ساله ایشان قرار داد و با همه ارزشمندی آن تلاش‌ها، این را در تأثیر اجتماعی همسان با آن‌ها دید. جداً که این مرد بزرگ در این چند روز چه کرد!»

خداوند بزرگ ایشان را برای اسلام و انسان نگه دارد.

عکس‌نوشت

# خورشید آسمان کرامت

عکس: علی‌رضا صفرزاده

**فاطمه یوسفی | دل‌های ما چون زمین خشک و بی‌باری بود که باران لطف تو بر عرصه‌اش بارید و ما را صاحب نعماتی کرد که جز از دست کریم تو برنمی‌آمد. کاسه قلب‌های طالبمان را پشت پنجره فولادت کشانده‌ایم و تو بی‌آنکه کاسه گدایی زائری را برگردانی، لبریز از عطایا و مواهبشان نموده و برایشان «و ان یکاد» زمزمه کرده و راهی جاده‌های بازگشتشان کرده‌ای. این روزها که برکات رمضان با نگاه مهربان تو پیوند خورده، در جای جای حریمت عطوفت و بخشندگی در تپش است و انوار لطف تو در حال تابیدن، ای خورشید آسمان کرامت.**

تازه‌های نشر

### به همت مؤسسه بوستان کتاب منتشر شد

# کتابی برای «موفقیت در تبلیغ»

کتاب «موفقیت در تبلیغ» به همت مؤسسه بوستان کتاب روانه بازار نشر شد. به گزارش روابط عمومی مؤسسه بوستان کتاب، «موفقیت در تبلیغ» اثر محمدحسن نبوی به همت مؤسسه بوستان کتاب در ۴۱۶ صفحه منتشر شد.

در کوران همه حوادث پس از انقلاب، روحانیون و طلاب به عنوان سربازان حضرت ولیعصر(عج) به طور مشخص و کامل، وظیفه خطیر خود را در دفاع از کیان اسلام و انقلاب اسلامی درک کرده و با وجود فشارها و کاستی‌ها، کارنامه‌های درخشانی را از خود در تاریخ بر جای نهادند. روحانیون نسبت به جمعیت خود بیشترین شهید را درمقایسه با همه اقشار اجتماعی تقدیم راه خداوند کرده و خانواده‌های آنان پنج برابر میانگین خانواده‌های دیگر گروه‌های اجتماعی شهید شده‌اند. اما در موضوع مقابله با تهاجم فرهنگی، یکی از مهم‌ترین گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های فرهنگی به‌ویژه شورای انقلاب فرهنگی است، اما به نظر می‌رسد هر گروهی به‌خصوص روحانیون با توجه به جایگاه ارزشمند و نافذ خویش به این موضوع پرداختند، ولی باید به این مقوله با شناخت و آمادگی و مهارت بیشتری بپردازند.

برای تحقق تبلیغ موفق مسائلی مطرح است که از جمله آن‌ها می‌توان به روش سخنرانی، شیوه‌های جذب و تهیه مطالب ارزشمند و ارائه آن به مخاطب اشاره کرد، اما آنچه بیش از همه این موارد می‌تواند تبلیغ را پایدار سازد، اخلاق و شیوه‌های سلوک اجتماعی مبلّغ است؛ از این رو در این کتاب سعی شده از مسائل مختلفی که در حواشی تبلیغ اتفاق می‌افتد و البته در تبلیغ تأثیر جدی دارد، سخن گفته شود تا ذهن طلاب و روحانیون را به آن موارد حساس سازد.

این اثر در ۱۴ فصل تألیف شده؛ در بخشی با عنوان «شناخت ویژه از فرهنگ دینی محل تبلیغ» می‌خوانیم: علاوه بر شناخت زیرساخت‌ها به طور خاص، باید مبلّغ از فرهنگ دینی مردم اطلاعات لازم را کسب کند. اعتقادات، رفتارها و آگاهی‌های دینی مردم، فرهنگ دینی آنان به شمار می‌آید. شناخت فرهنگی محل تبلیغ و آگاهی از سطح و گستره و عمق و ریشه‌داری آن نیز برای انجام تبلیغ کارشناسانه ضرورت دارد. در زمینه اطلاعات دینی مردم، مبلّغ باید حیطه آگاهی‌های آنان را بشناسند... ممکن است در جامعه افراد مسئله‌دان و مطّلع در احکام شرعی وجود داشته باشد، اما همین افراد از نظر اعتقادات ضعیف باشند. نیز ممکن است تعداد کمی به احکام آشنایی داشته باشند، به‌طوری که در حد فرهنگ مردم به حساب نیاید، زیرا فرهنگ به شاخص‌هایی گفته می‌شود که در بین بیشتر مردم پذیرفته شده باشد.

اکنون مبلّغ در قامت مسئول فرهنگ دینی محل تبلیغ، باید در این زمینه مردم را به خوبی بشناسد و حیطه و گستره شاخص‌های فرهنگی را مشخص کند. پس از اطلاع دقیق از فرهنگ دینی مردم، وی می‌تواند کاستی‌ها و نیازمندی‌های مخاطبان خود را مشخص و برای تأمین هر یک از نیازها برنامه‌ریزی خاصی داشته باشد.